



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۷/ ذو القعدة الحرام/ ۱۴۴۴ هـ، ق موافق ۲۶/ جوزا/ ۱۴۰۲ هـ، ش

مهر حق خود زن است و شریعت به تعیین مهر کم ترغیب داده است

الحمد لله القائل في كتابه المبین: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (۲۱) و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له. حکم فقدر و شرع فیسر. و اشهد ان محمداً عبده و رسوله حث على الزواج و رغب فی تیسیره و تسهیلہ لما فيه من المصالح الدينية و الدنیویة و العواقب الحميدة. و قال: (یسروا ولا تعسروا و بشروا ولا تنفروا)

فصلی الله و سلم على هذا النبی الکریم و على آله و أصحابه إلى يوم الدين. اما بعد:

مهر حق خود زن است:

زنان قبل از ظهور دین مقدس اسلام از همه انواع و اقسام حقوق مادی و معنوی خویش محروم بودند بلکه به آنها منحنیت انسان نگاه نمی شد و مانند مال و متاع آنها را به ارث میبردند و حق ملکیت را نداشتند، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و سلم مبعوث به پیغمبری گردید و بار سنگین رسالت به دوشش سپرده شد، فرامین و قوانین دین مقدس اسلام برایش نازل گردید برای پیروان خویش اعلان نمود که زنان همانند مردان دارای حقوق اند که حق زندگی و حیات را دارند و نیز حق ملکیت را دارا هستند که از آن جمله مهر هست که در حقیقت مهر تنها حق زن بوده هیچ کسی بدون اجازه آن حق تصرف و ملکیت را در آن ندارد.

در دین مقدس اسلام برای زنها حقوق زیادی داده شده است که در سایر ادیان مثل آن دیده نمی شود .

دین مقدس اسلام زنها را از رسم، رواجها و ظلمهای زمان جاهلیت نجات داد.

در زمان جاهلیت بالای زنها ظلمهای مختلف صورت میگرفت که از جمله آن ظلمهایشان، محروم کردن از مهر و سائر حقوق مالی بود.

همچنان دادن مهر برای منکوحه در میان نکاح و زناء فرقی را بمیان می آورد ، در زمان جاهلیت شوهر برای اقارب منکوحه خود مالی میداد که آن را (حلوان) گفته میشد، که اسلام آن را باطل کرد و مهر را حق زن منکوحه گردانید که باید برای منکوحه داده شود و برای ولی و خویشاوندان منکوحه هیچ حقی در آن مهر نیست.

در زمانه جاهلیت تنها در مورد نکاح بالای زنها سه قسم ظلم صورت میگرفت، الله جل جلاله این سه نوع ظلم را بند کرد.

اول: وقتیکه از شوهر مهر میگرفت و این بالای شوهر سخت تمام میشد مثلیکه به او تاوانی رسیده باشد مهر را میداد به قهر و تند روئی؛ الله جل جلاله به ایشان فرمود: {نَحَلَّةً} النساء: (۴) مهر زن هارا به طیب خاطر بدهید .

دوم: ظلم این بود که این مهر حق اقارب زن شمرده میشد مثلیکه در شرائط فعلی در افغانستان گمان مردم این است که زن در مهر حق ندارد، ومهر بدون مشوره ورضایت زن اقارب زن اورا میگیرد، در اکثر جاها زنها از مهر خود هیچ معلومات نمیداشته باشند، الله تعالی این نوع ظلم را هم بند کرد: {وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ} النساء: ۴

سوم: ظلم این بود که شوهر زن خود را زیر تأثیر خود قرار میداد تا که مهر را برای شوهر ببخشد؛ امروز در افغانستان به همچین عملی انجام صورت میگیرد وزن را ودار میسازند که از مهر خود بگذرد . الله تعالی این ظلم را هم بند کرد. (فان طین لکم)

در حدیث مشهور حجت الوداع آمده است: (فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا)، (ثُمَّ قَالَ: اسْمَعُوا مِنِّي تَعِيشُوا، أَلَا لَا تَظْلِمُوا، أَلَا لَا تَظْلِمُوا، أَلَا لَا تَظْلِمُوا، إِنَّهُ لَا يَحِلُّ مَالُ امْرَأٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ). مسند أحمد ترجمه: به تحقیق خونهای شما، مالهای شما، آبروی شما بالاشما حرام است مانند حرمت این روز شما ، ودر این ماه ودر این شهر شما، باز فرمود: بشنوید از من شما زندگی میکنید، خبردار ظلم نکنید، خبردار ظلم نکنید، خبردار ظلم نکنید، حلال نیست مال یک شخص مگر به رضایت آن شخص .

در زمان جاهلیت بالای دو طبقه مستضعف زیاد ظلم میشد، یکی زنان و دیگر یتیمان .

در سوره النساء بر حقوق این دو قشر ضعیف تاکید صورت گرفته وهر دو حقوق در یک جا ذکر شده است.

از این جهت رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: ای الله! من بالای دو طبقه مردم ضعیف که زنها ویتیمان هستند ظلم کردن را حرام گردانیدم . (اللَّهُمَّ إِنِّي أُحَرِّجُ حَقَّ الضَّعِيفِينَ الْيَتِيمِ وَالْمَرْأَةِ) سنن ابن ماجه، سنن النسائي ترجمه: ای الله ! حرام می گردانم پایمال نمودن حق دو طبقه ضعیفان را، یتیم وزن .

امروز مردم به عوض زن طویانه سنگین سنگین میگیرند، ودختران را سرچشمه جمع آوری مال می شمارند ودختر را به کسی میدهند که زیاد مال داشته باشد، دین داری، اخلاق وعمر را هیچ در نظر نمی گیرند در حالیکه در حدیث شریف آمده است: (تُنَكِّحُ الْمَرْأَةَ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا وَلِحَسَبِهَا وَجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا، فَأَظْفَرُ بِذَاتِ الدِّينِ، تَرَبَّتْ يَدَاكَ). صحیح البخاری

ترجمه:-- نکاح کرده میشود زنها به چهار صفت: ازجهت مال، ازجهت حسب، ازجهت جمال وازجهت دین آن. تو خود را کامیاب وموفق بگردان به نکاح زن صاحب دین، دستان توخاک آلود شود .

بنأ برای ولی لازم است که دختر خود را به شخص متدین به نکاح بدهد .

در یک روایت واقعه حضرت جلیبیب رضی الله عنه چنین آمده است: (عَنْ أَنَسٍ قَالَ: حَظَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَلْبِيبِ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى أَبِيهَا، فَقَالَ: حَتَّى أَسْتَأْمَرَ أُمَّهَا، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " فَنَعَمْ إِذَا " قَالَ: فَأَنْطَلَقَ الرَّجُلُ إِلَى امْرَأَتِهِ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهَا، فَقَالَتْ: لَأَهَا اللَّهُ إِذَا، مَا وَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا جَلْبِيبًا وَقَدْ مَنَعْنَاهَا مِنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ؟ قَالَ: وَالْجَارِيَّةُ فِي سِتْرِهَا تَسْتَمِعُ. قَالَ: فَأَنْطَلَقَ الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يُخْبِرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِذَلِكَ، فَقَالَتِ الْجَارِيَّةُ: أَتُرِيدُونَ أَنْ تَرُدُّوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امْرَأَةً؟ إِنْ كَانَ قَدْ رَضِيَ لَكُمْ، فَأَنْكِحُوهُ قَالَ: فَكَأَنَّهُمَا جَلَّتْ عَنْ أَبُوَيْهَا، وَقَالَا: صَدَقْتَ. فَذَهَبَ أَبُوهَا إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنْ كُنْتُ قَدْ رَضِيتَهُ فَقَدْ رَضِينَاهُ. قَالَ: " فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُهُ " .

فَرَوَّجَهَا، ثُمَّ فَرَعَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ، فَرَكَبَ جَلْبِيبٌ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ، وَحَوْلَهُ نَاسٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدْ قَتَلَهُمْ). مسند أحمد

ترجمه:- از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای جلیبیب رضی الله عنه درباره یک زن انصار همراهی پدروی گفت وگو کرد، آن مرد گفت: من از مادرم اجازه بگیرم پیغمبر علیه السلام فرمود: این درست است راوی میگوید: که آن مرد به طرف همسر خود رفت و این خبر را همراهی همسر خود ذکر کرد همسر- وی گفت: این کار چنین نمیشود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم علاوه از جلیبیب کسی دیگری را پیدا نکرد درحالیکه ما این دختر را از فلانی و فلانی منع کردم .

راوی میگوید: که آن دختر از پشت پرده این خبر را شنید و آن مرد واپس روان شد، خواست که رسول الله صلی الله علیه وسلم را از این خبر آگاه کند، آن زن گفت: آیاشما میخواهید که سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم را رد کنید؛ که اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم

به این سخن راضی باشد او را به نکاح بدهید، گویا که آن دختر پیغمبر علیه السلام را بزرگ شمرد؛ هر دو گفتند راست میگوید: پدر وی به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و او گفت اگر شما راضی باشید ما هم راضی هستیم، پیغمبر علیه الصلاة والسلام فرمود: من در این راضی استم پس او را به نکاح داد؛ پس برای اهل مدینه از دشمن ترس پیدا شد، جلیبیب به اسب سوار شد (به طرف دشمن رفت) صحابه جلیبیب را در حالی پیدا کردند که شهید شده بود و مشرکین که وی آنها را کشته بودند در اطراف آن آفتیده بودند.

عبدالملک بن مروان پادشاه با حضرت سعید ابن المسیب در باره خواستگاری دختر او برای فرزند خود گفت وگو کرد به بیست هزار درهم، سعید ابن المسیب دختر خود را نداد چند وقت بعد شاگرد او ابو وداعه رحمه الله سه روز به درسهای خود حاضر نشد در روز چهارم که حاضر شد از او پرسید که این سه روز درسها را چرا قضا کردی؟ او گفت: زن من فوت کرد در آن مصروف بودم. استاد برای او گفت دیگر زن نگرفتی؟ ابو وداعه رح به او گفت من دو درهم دارم که به آن زن گرفته نمی شود. استاد برای او گفت: من برایت میدهم، همزمان خطبه را خواند، ابو وداعه رح که به خانه رفت در فکر غرق شد که این پول را از کجا کنم؟ دروازه دق الباب شد وقتی که بیرون شد دید که استاد همراه با دخترش ایستاده است و برای شاگرد خود گفت این زن تو است بخانه خود ببر. [حلیة الاولیاء]

انسان آزاد را فروختن و به عوض او پول گرفتن گناه بزرگ است.

در یک حدیث قدسی شریف آمده است: عن أبي هريرة - رضي الله عنه - ، عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قَالَ : (قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : رَجُلٌ أُعْطِيَ بِي ثُمَّ عَدَّرَ ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا ، فَاسْتَوْفَى مِنْهُ ، وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ) . رواه البخاري

ترجمه:- رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: که الله تعالی میفرماید: که من در روز قیامت طرف منازعه سه نفر قرار میگیرم، یکی شخصی است که دشمن را بنام من امن میدهد باز در آن خیانت میکند، دیگر آن کسی است که انسان آزاد را میفروشد و پول آن را میخورد، دیگر آن شخصی که مزدور میگیرد کسی را و از وی کار میگیرد و حقوق آن را نمی دهد.

در مقابل دختران پول گرفتن یک کار ناروا و کار حرام است. علامه ابن عابدین رح میفرماید: (وَمِنَ السُّحْتِ : مَا يَأْخُذُهُ الصَّهْرُ مِنَ الْخَتَنِ بِسَبَبِ بَنْتِهِ بِطَيْبِ نَفْسِهِ). رد المحتار

ترجمه:- حرام و خبیث آن مالی است که میگیرد خسر ازداماد خود به سبب دختر خود به خوشی .
که در این مال طویانه هم شامل است و مصارفی دیگر نیز شامل است که خسر از داماد خود میگیرد.
کسیکه از خاندان داماد پول میگیرد این از دو حالت خالی نیست یا به نام مهر میگیرند که این حق خالص منکوحه است،
بدون اجازه منکوحه برای دیگران جواز ندارد که مهر آن را بگیرد یا به نام دختر خود میگیرد که این هم پول حرام است.
محترم شیخ الحدیث دوکتور مولوی نور محمد (ثاقب) حفظه الله در جواب یک سوال نوشته است: (آن اندازه مهریکه از طرف
زن بالای شوهر لازم میشود علاوه از آن چیزی دیگری را خواستند حرام و رشوت است. [بدر الفتاوی]

تصرف پدر در مهر زن منکوحه:

پدر زن منکوحه و یا دیگر خویشاوندان وی نمی توانند که در مهر آن زن بدون اجازه وی تصرف نمایند طوریکه برای شوهر
زن و یا به کس دیگری ببخشد.

امام کاسانی رح در این مورد میگوید: پدر نمی تواند مهر دختر خود را به کسی ببخشد، این مذهب عام علماء ما است، چرا
که مهر تنها حق زن منکوحه است... فَدَلَّ ذَلِكَ كُلُّهُ عَلَى أَنَّ مَهْرَهَا مِلْكُهَا وَحَقُّهَا وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَهَبَ مِلْكَ الْإِنْسَانِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ
وَلِهَذَا لَا يَمْلِكُ الْوَالِيُّ هِبَةَ غَيْرِهِ مِنْ أَمْوَالِهَا فَكَذًا الْمَهْرُ). [البدائع والصنائع]

ترجمه:- این همه دلالتی اند بر اینکه مهر حق و ملکیت زن منکوحه است، به هیچ کس اجازه نیست که ملکیت یک انسان را
بدون اجازه وی بخشش کند، از این جهت ولی اختیار ندارد که هبه نماید مال دیگر این زن را همینگونه اختیار هبه کردن مهر
اورا نیز ندارد.

حتی تا این حد فقها نوشته اند که اگر شوهری مهر معجل منکوحه خود را ادا ننماید، آن زن میتواند تاهنگام پوره گرفتن
مهر، خود را به شوهر تسلیم نکند. [البدائع]

شریعت اسلام به کم مقرر کردن مهر ترغیب نموده است:

ازدواج کردن ضرورت زندگی است؛ زیرا که به ازدواج کردن مصالح دین و دنیا بدست می آید، ازدواج رابطه
فرد را با اجتماع محکم میکند و کارهای زندگی اجتماعی به آن ارتباط دارد، به اثر ازدواج کردن محبت و دوستی
در بین مردم زیاد میشود که این یک نعمت بزرگ الله تعالی است: { وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ } .الروم: ۲۱

ترجمه:- واز نشانه های قدرت او این است که برای شما از جنس خودتان همسران آفرید تا به سوی آنها آرام گیرید و در میان
تان دوستی و مهربانی ایجاد کرد یقیناً در این امور نشانه ها است برای گروهی که می اندیشند.

به اثر ازدواج نفوس مسلمانها زیاد میشود که نبی علیه الصلاة والسلام به زیادت امت خود در روز آخرت افتخار میکند.
به اثر ازدواج دین مسلمان کامل شده و عفت چشم به میان می آید.

الله تعالی به ازدواج کردن امر کرده است. { فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا } .النساء ۳

ترجمه:- واز زنان دیگر آنچه را که حلال است دو دو سه سه و چهار چهار نکاح کنید.

و در آیه مبارکه دیگر آمده است: { وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ } النور: (۳۲)

ترجمه: - و مردان و زنان بی شوهر خود را به بردگان و کنیزان نیک خویش را به نکاح یک دیگر در آورید اگر فقیر باشند الله از فضل و کرم خود ایشان را توانگر میگرداند، الله گشایشگر و دانا است.

بنا بر فوائد دنیوی و اخروی که دارد پیامبر صلی الله علیه و سلم جوانان را به ازدواج کردن امر کرده است و فرموده است: (یا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج ، فإنه أغض للبصر ، وأحصن للفرج ، ومن لم يستطع فعليه بالصوم ، فإنه له وجاء). متفق علیه .

ترجمه: - ای گروه جوانان! کسیکه از شما توان مالی دارد باید ازدواج کند زیرا ازوداج پائین کننده نظر و حفاظت کننده (فرج) است.

تعیین مهر های زیاد مانع تمام این کارها میشود و در زندگی اجتماعی مشکلات متنوع را به میان می آورد.

غلو و مبالغه در مهر ها یک مشکل اجتماعی است که اکثریت جامعه ما به آن گرفتار اند. علماء، حکومت و مردم باید در حل این مشکل دست به کار شوند تا اینکه این رواج ناپسند را از بین ببرند.

کمترین اندازه مهر ده درهم است و از برای زیادت اندازه معین نیست، مگر شریعت اسلام به کم مقرر کردن مهر ترغیب نموده است. فقهای شریعت اسلام همه به این متفق اند که مقرر کردن مهر های گران مخالف سنت هست.

حضرت عائشه رضي الله عنها فرموده است : (مَنْ يَمُنُّ الْمَرْأَةَ تَسْهِيلاً أَمْرَهَا وَقِلَّةً صَدَاقِهَا). [صحيح ابن حبان]

ترجمه: - یقیناً از جمله برکت کارهای زن (خطبه یعنی خواستگاری) آسان و قلت مهر است.

بهتر زن آن است که مهر او کم باشد. نبیث علیه السلام فرموده است: (خَيْرُهُنَّ أَيْسَرُهُنَّ صَدَاقًا). [احمد ، ابن حبان]

در حدیث دیگری آمده است : (أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَهً أَيْسَرُهُنَّ مَثْوَنَةً). [مسند أحمد، الحاكم]

ترجمه: - بزرگترین زنها از روی برکت آنانی اند که مصرف شان کم باشد.

رسول الله صلی الله علیه و سلم به مهر کم امر ترغیبی کرده است و زیاد مقرر کردن مهر باعث دشمنی در بین زن و شوهر میگردد.

در یک روایت مرسل آمده است : (تِيَّاسِرُوا فِي الصَّدَاقِ ؛ إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطِي الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً)

مصنف عبدالرزاق

ترجمه: - در مهر ها آسانی کنید، یقیناً مردها از برای زنها مهر میدهند تا اندازه که در دل مرد عقده میماند در باره زن.

الله تعالی همه مردم را به نکاح کردن ترغیب کرده است و فقراء را هم ترغیب نموده بر اینکه نکاح کنید.

اگر مهر کم باشد هر کس میتواند نکاح کند، فقراء هم میتوانند نکاح کنند. و نسل مسلمانان هم زیاد میشود و اگر مهر زیاد باشد پس زمینه نکاح کردن به کسانی مساعد میشود که مال دار باشند؛ فقراء و خانواده های کم توان زمان طولانی از ازدواج محروم میمانند و عام مردم به مشکل مواجه میشوند و نسل مسلمانان هم کم میشود.

در هر بخش از زندگی باید از سنتهای رسول الله صلی الله علیه و سلم پیروی کردن مناسب است، چرا که در پیروی از سنت های رسول الله صلی الله علیه و سلم خیر و برکت است. مهر های ازواج نبی علیه السلام و دختران او از پنجصد درهم بالا نبود،

در یک حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ سَأَلْتُ عَائِشَةَ كَمْ كَانَ صَدَاقُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ كَانَ صَدَاقُهُ لِأَزْوَاجِهِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَّةً وَنَشَأُ قَالَتْ أَتَدْرِي مَا النَّشُ قُلْتُ لَا قَالَتْ نِصْفُ أُوقِيَّةٍ فَتِلْكَ خَمْسُ مِائَةٍ دِرْهَمٍ فَهَذَا صَدَاقُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَزْوَاجِهِ). [أحمد، صحيح مسلم]

ترجمه: -ابو سلمه ابن عبدالرحمن میگوید: من از حضرت عائشه رضی الله عنها در باره مهریه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم که چه اندازه بود مهر دادن رسول الله صلی الله علیه وسلم؟ او در جواب گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم به همسران خود دوازده اوقیه و یک نش مقرر کرده بود باز از برایم گفت: تو میدانی که (نش) چه است؟ من به او گفتم خیر! او برایم گفت: (نش) نیم اوقیه است که همه آن پنجمصد درهم میشود این بود مهر رسول الله صلی الله علیه وسلم از برای ازواج مطهرات .

امام نووی در شرح این حدیث میگوید: (این حدیث دلیل است بر اینکه پنجمصد درهم مهر مقرر کردن مستحب است).

تعیین مهرهای گزاف یک مشکل اجتماعی است که اذهان بسیار مردم را به خود مشغول کرده است، از اینجهت بسیاری از جوانان و دختران از ازدواج باز میمانند و اگر کسی ازدواج هم بکند بخاطر اداء کردن مهر باید به کشور های خارجی دور از وطن بخاطر بدست آوردن پول سفر کنند.

به اثر زیادت مهر ها اکثر جوانان به فتنه های مختلف واقع میشوند.

زیادت در مهر ها مخالفت از امر رسول الله صلی الله علیه وسلم است، زیرا که نبی علیه الصلاة والسلام در مورد مهر وعروسی ساده و آسان امر کرده است.

در شرائط فعلی مردم دینداری و اخلاق بچه و دختر را در نظر نمی گیرند بلکه به زیادت مهر متوجه اند که این کار عمل خلاف شریعت است.

نبی علیه الصلاة والسلام میفرماید: (إذا خطب إليكم من ترضون دينه ، وخلقه ، فزوجوه ، إلا تفعلوا تكن فتنة في الأرض وفساد عريض). سنن الترمذی.

ترجمه: - وقتیکه کسی از شما در مورد دختر خواستگاری میکند و شما از دین و اخلاق او راضی هستید پس به او بدهید و اگر شما این کار را نکنید میشود این یک فتنه و فساد بزرگ در زمین .

زیاد مقرر کردن مهر طوریه است مثلیکه یک چیزی را از بازار با پول خریدارای کنی، مهرهای زیاد بعضی از اوقات صلح رحمی را از بین خانواده ها دور میکند و سبب جنگ و جدال میشود.

در بعضی حالات نکاح کردن واجب میگردد که مهرهای زیاد جلو این مکلفیت را میگیرد.

عمر فاروق رضی عنه فرموده اند: خبردار! مهرهای زنها را زیاد نکنید زیرا اگر چیزی در دنیا به جانب پروردگار سبب عزت و تقوای میشد از شما کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار به این کار لایق بود.

من آگاهی ندارم که رسول الله صلی الله علیه وسلم به از واج و دختران خود از (۱۲) اوقیه بیشتر مهر تعیین کرده باشد.

پنجمصد درهم معادل (۱۳۱،۳) توله و سه ماشه نقره میشود . که قیمت یک توله نقره پنجاه رویه میشود و قیمت پنجمصددرهم

یعنی قیمت (۱۳۱،۳) توله نقره ، مبلغ (۶۵۶۳) پیسه میشود. به اثر پائین و بالا رفتن نرخ این مقدار هم کم و زیاد میشود.